



آداب مهمانی



در شماره گذشته به احترام میهمان و اهمیت مهمان‌نوازی، اشاره شد و اینک به پاره‌ای از آداب میهمانی، دعوت کننده و دعوت شونده می‌پردازیم.

شما خواننده گرامی تا به حال حتماً مهمان کسی بودید و کسی را دعوت کرده و میزبان بوده و یا به نوعی با مسأله مهمان و میزبان در ارتباط بوده‌اید و با آداب و رسوم آن آشنائی دارید. هر بخش از زندگانی فردی و اجتماعی، دارای آداب و رسوم خاص خود را دارد چیزی که هست این است که هر نوع آداب و رسومی براساس فرهنگ شخص یا جامعه شکل می‌گیرد.

ما مسلمانها که دارای فرهنگ اصیل اسلامی هستیم، باید همه شئون زندگیمان را با دستورات اسلام تنظیم نموده، در بخشهای مختلف زندگی، از تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام الهام بگیریم چرا که همه مقررات و قوانین ادیان الهی بخصوص اسلام براساس سرشت و طبیعت بشر صادر شده است.

از جمله اسلام در مسأله مهمان‌نوازی و مهمانداری و مهمانی - که به ظاهر یک مسأله خیلی جزئی است - نکات ریز و قابل توجهی را بیان کرده است که با

اندکی دقت معلوم می‌شود اسلام، هم مسائل روحی و عاطفی انسان را در نظر گرفته (مانند مراسم استقبال و طرز غذا خوردن و تعارف و بدرقه کردن مهمان) و هم مسائل بهداشتی مانند شستن دستها قبل و بعد از غذا و همچنین مسواک زدن.

چنانکه از قرآن و احادیث اهل بیت برمی‌آید، در اسلام برای مهمانی آداب زیادی بیان شده است، ولی اساس و پایه آنها شش تا است که برخی از آنها به عنوان مقدمه و پیش از دعوت و مربوط به دعوت است و برخی دیگر پس از دعوت و هنگام ورود و غذا خوردن و طرز غذا خوردن و خروج مهمان و وظائف مهمان و میزبان و همچنین حق مهمان است که به خواست خدا، به تدریج به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

بدون دعوت وارد نشوید

قبل از هرکاری در مسأله مهمانی باید توجه کرد که نباید بدون دعوت به خانه کسی به عنوان مهمان وارد شد (مگر اینکه منظور، مجلس انسی باشد که هدف از آن گفتگو کردن و یا منظور دیگری که ایجاب می‌کند اشخاص بنشینند و صحبت کنند). اما وقتی کسی را دعوت کردند، باید در صورت امکان اجابت کند چنانکه خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظِيرِ بْنِ إِنَاءٍ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا...»^(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود درحالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا ننشینید، اما

هنگامی که دعوت شدید، داخل شوید و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید...».

شان نزول

«ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر
داخل نشوید مگر به شما برای
صرف غذا اجازه داده شود
درحالی که (قبل از موعد نیایید
و) در انتظار وقت غذا
نشینید، اما هنگامی که دعوت
شدید، داخل شوید و وقتی غذا
خوردید، پراکنده شوید...».

پیامبر گرامی اسلام ﷺ پس از ازدواج با
«زینب بنت جحش» (همسر مطلقه زید، پسر
خوانده آن حضرت)، برای اینکه این سنت
جاهلی (که نباید با همسران پسرخوانده‌ها
ازدواج کرد)، از میان برداشته شود، ولیمه نسبتاً
مفصلی ترتیب داد و مهمانان زیادی دعوت
کرد تا بیشتر مردم با این حکم الهی آشنا شوند
لذا «آنس» (خادم آن حضرت) می‌گوید:

پیامبر به من دستور داد اصحابش را به غذا
دعوت کنم من همه را دعوت کردم دسته دسته
می‌آمدند و غذا می‌خوردند و می‌رفتند تا اینکه عرض

کردم ای پیامبر خدا دیگر کسی باقی نمانده که من او را دعوت نکنم.

پیامبر فرمود: اکنون سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت متفرق شدند
اما سه نفر از آنها همچنان نشستند و در اطاق پیامبر ماندند و مشغول صحبت شدند. سخنان
آنان به طول انجامید پیامبر برخاست و من هم همراه آن حضرت از اطاق خارج شدم تا شاید
آنان متوجه شوند و پی کار خود بروند. پیامبر بیرون آمد و تا حجره عایشه رسید و برگشت
و من هم باز گشتم اما آن سه نفر همچنان نشسته بودند، در این هنگام آیه شریفه نازل شد و

دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آنها تفهیم کرد^(۱).

آیه شریفه گرچه در مورد پیامبر و ولیمه‌ای که ترتیب داده بود، نازل شده، اما مانند سایر آیات قرآن کریم عمومیت دارد و شامل همه مسلمانان، بلکه کل جامعه بشری است^(۲).

نکات مهم

اما نکاتی که این آیه به پیروان قرآن می‌آموزد، (غیر از آخر آیه که مخصوص حرمت ازدواج با همسران پیامبر است)، عبارتند از:

اولاً: نباید بدون دعوت به مهمانی و به خانه کسی داخل شد چنانکه آن حضرت، حتی هنگام ورود به خانه دخترش حضرت زهرا علیها السلام اجازه می‌خواستند. و همچنین به امیرمؤمنان می‌فرماید:

«يا على ثمانية إن أهيتوا فلا يلوموا إلا أنفسهم: الذاهب إلى مائدة لم يدع إليها والمُتأمر على رب البيت...»^(۳).

«یا علی هشت چیز است که اگر درباره آنها کسی سبک شمرده شود و اهانت شود، خود را ملامت کنند: ۱. کسی که بدون دعوت سر سفره‌ای بنشیند. ۲. مهمانی به که صاحب خانه دستور دهد.»

(البته کسانی که غذا خوردن بدون اجازه در خانه آنان استثنا شده است، بحث جداگانه دارد که انشاء الله اشاره خواهد شد).

ثانیاً: آن طور که از آیه استفاده می‌شود دومین قسمت آیه در واقع تکمیل قسمت اول آن است یعنی پیروان قرآن نه بی‌موقع به خانه‌ای که دعوت شده‌اند،

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۵۳ سوره احزاب.

۱. مجمع‌البیان، آیه ۵۳ سوره احزاب.

۳. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۲، کتاب العشرة، باب ۸۸.

وارد شوند و نه وقتی دعوت شدند، اجابت نکنند و نه پس از صرف غذا به مدت زیاد بنشینند چرا که تخلف از این احکام باعث زحمت و ناراحتی صاحب منزل می شود.

«سخاوت‌مند کسی است که از غذای

دیگران بخورد تا دیگران هم از غذای او بخورند

و بخیل کسی است که در هیچ مهمانی شرکت

نکند و غذای هیچ کس را نخورد از ترس اینکه

مبادا دیگران هم از غذای او بخورند».

عده‌ای از ماها هم وقتی

مهمان کسی باشیم، پیش از

موعد مقرر به خانه میزبان وارد

و به مدت طولانی منتظر غذا

می شویم در صورتی که آیه

می فرماید: «غیر ناظرین اناه»

یعنی زودتر از موعد مقرر نروید

و به ظرفهای غذا چشم ندوزید. (این عبارت حاکی از این است که جلوتر از موعد مقرر وارد نشوید). یا پس از صرف غذا درنگ می کنیم که این برخلاف آداب اسلامی و آیه شریفه: «إذا طعمتم فانتشروا» است و یا وقتی دعوت‌مان کردند، گاهی بدون جهت دعوت را اجابت نمی کنیم.

البته دعوت کننده هم باید مراعات اوقات مهمانها را کرده و وقت معینی

برای صرف غذا تعیین کند نه مثل بعضی از مهمانیها که مثلاً برای شام دعوت

می کنند و ساعت معین گفته نمی شود و گاهی از اول شب تا نصف شب برای صرف

شام وقت صرف می شود و این مسأله‌ای است که تقریباً اکثر ماها گرفتار آن شده و

هستیم و هنوز ارزش وقت گرانبهای عمر خود را نمی دانیم. و الان که دنیای غرب

چقدر به وقت و نظمشان اهمیت می دهند و در واقع یکی از مهم ترین رمز موفقیت

آنها همان رعایت نظم و رعایت ثانیه هاست و عده‌ای از مسلمانها هم به این نظم و

وقت شناسی آنها احسن می گویند، غافل از این هستند که آن روز که غرب در تو حش

محض بسر می برد، قرآن کریم این دستور را می دهد و امیرمؤمنان علیه السلام هم در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي نِظْمِ أَمْرِكُمْ».

همچنین آداب اسلامی در قبول دعوت به ما یاد می دهد که وقتی دعوت شدید، اجابت کنید چنانکه امام رضا علیه السلام می فرماید:

«السَّخِيُّ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ»^(۱).

«سخاوتمند کسی است که از غذای دیگران بخورد تا دیگران هم از غذای او بخورند و بخیل کسی است که در هیچ مهمانی شرکت نکند و غذای هیچ کس را نخورد از ترس اینکه مبادا دیگران هم از غذای او بخورند».

حتی در حدیثی داریم که غذا خوردن، بلکه زیاد خوردن در خانه برادر دینی و صاحب خانه، نشانه محبت بیشتر شخص بر میزبان است آنجا که امام صادق علیه السلام به مردی که غذا می خورد، فرمود: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ يُعْرِفُ حُبَّ الرَّجُلِ أَخَاهُ بِكثْرَةِ أَكْلِهِ عِنْدَهُ؟»^(۲).

و در جای دیگر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ اسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ وَ أَنْ يَدْعِيَ الرَّجُلَ إِلَى طَعَامِهِ فَلَا يَجِيبُ أَوْ يَجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ وَ مُوَاقَعَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمَلَاعِبَةِ»^(۳).

سه چیز است که جفا و ستم محسوب می شود: ۱. کسی با کسی همنشین شود و اسم و کنیه او را نپرسد. ۲. کسی به مهمانی و غذا دعوت شود اما اجابت نکند و اگر اجابت کرد، غذا نخورد. ۳. آمیزش یا همسر پیش از ملاعبه».

۱. بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴۶، کتاب العشرة، باب ۸۹، ح ۱.

۲. همان، ص ۴۴۷، ح ۳.

۳. بحار، همان، باب ۹۰، ص ۱.

امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همیشه دعوت دیگران را اجابت می فرمودند^(۱).

ثالثاً: یکی از نکاتی که در آیه از اهمیت بسزایی برخوردار است، مسأله متفرق شدن از مهمانی پس از صرف غذا است که می فرماید: «فاذا طعمتم فانتشروا» پس از صرف غذا پراکنده شوید و خانه میزبان را ترک کنید. و این قسمت از آیه هم باز عمومیت دارد. و باز البته ممکن است قصد میزبان از تشکیل این مجلس و مهمانی، مجلس انسی باشد که در آن صورت از این حکم مستثنا است ولی جائی که دعوت و مهمانی فقط برای صرف غذا ترتیب یافته است، باید پس از غذا مجلس را ترک کرد و مزاحم اوقات دیگران نشد برخلاف عده‌ای از اشخاص که گاهی به این مزاحمت ادامه می دهند و به رضایت و قصد میزبان اهمیت نمی دهند لذا خداوند متعال هم در آیه، علت آن را مزاحمت صاحب خانه بیان می کند. مخصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که خانه آن حضرت مرکز تصمیم‌گیریهای مهم سیاسی و اجتماعی بود که می بایست مزاحم اوقات آن حضرت نشوند. از طرف دیگر خداوند یکی از علت‌های آن را اذیت شدن آن حضرت بیان می کند و در دنباله آیه می فرماید: «این عمل، پیامبر را ناراحت می کرد ولی او از شما شرم می کند اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد» «انّ ذلکم کان یؤذی النبی فیستحیی منکم و الله لا یستحیی من الحق».